

Explaining the Causes for the Failure of ISIS in Iraq Based on the Theory of Political Opportunity of Sydney Tarrow and Mcadam

Mohsen Shafiee Seifabadi*

Assistant Professor of Political Sciences, Ardakan University, Iran
(Corresponding Author), shafiee@ardakan.ac.ir

Ali Bagheri Dolatabadi

Associate Professor of Political Sciences, Yasouj University, Iran
abagheri@yu.ac.ir

Abstract

Objective: 2017 was the year of the failure of the ISIL «caliphate» project in the political geography of Iraq; The caliphate that began in 2014 with the occupation of the western parts of the country and the provinces of Mosul, Salah al-Din, Diyala and Anbar. The defeat came as the terrorist group still occupies parts of Syrian territory. The purpose of this article is to explain the reasons for the failure of ISIS in Iraq. The main question is, «What are the causes of ISIL's failure to form a caliphate in Iraq?»

Method: For this purpose, descriptive-analytical method and political opportunity theory of Sydney Taro and McAdam have been used.

Findings: The research findings show the unity of the ruling elites in suppressing ISIL, the closure of the political space for their entry into the political system, stability and internal unity of government elements, citizens' political awareness of the nature of ISIL and lack of access to influential political allies; It blocked any access to political opportunity for ISIL and failed to maintain its caliphate and territory.

Conclusion: The theory of political opportunities can explain with great accuracy the defeat of political protests and the movement of Salafi jihadist forces in the political geography of Iraq, which were the source of socio-security crises. In the framework of this theory, the position of ISIL was affected by two categories of internal and external factors. In relation to internal factors, the role of differences between political officials and religious and ethnic groups is thought-provoking. Regarding external factors, the cessation of financial, military and political support for ISIL and the formation of a regional and international coalition against ISIL played an effective role at the end of its caliphate.

Keyword: ISIS, Sydney Taro, McAdam, Political Opportunity, Iraq.

Article Type: Research

* Political Studies of Islamic World, Summer 2021, Vol.10, NO.2, 137-166

DOI: 10.30479/psiw.2021.14863.2940

Received on 5, January 2021 Accepted on 17 May, 2021

Copyright© 2021, Shafiee Seifabadi & Bagheri Dolatabadi

Publisher: Imam Khomeini International University



تبیین علل ناکامی داعش در عراق بر مبنای نظریه فرصت سیاسی سیدنی تارو و مک آدام

محسن شفیعی سیف آبادی*

استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اردکان، (نویسنده مسئول)، shafiee@ardakan.ac.ir

علی باقری دولت آبادی

دانشیار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، abagheri@yu.ac.ir

چکیده

هدف: سال ۱۳۹۶، سال شکست پروژه «خلافت» داعش در جغرافیای سیاسی عراق بود. خلافتی که در سال ۱۳۹۳ با اشغال بخش‌های غربی این کشور و استان‌های موصل، صلاح‌الدین، دیالی و الانبار آغاز گردید. این شکست در حالی رخ داد که هنوز این گروه تروریستی، بخش‌هایی از خاک سوریه را در اشغال خود داشت. هدف مقاله حاضر، تبیین علل ناکامی داعش در عراق است. سؤال اصلی این است که «عوامل ناکامی داعش در تشکیل خلافت در جغرافیای عراق چیست؟»

روش: برای این منظور، از روش توصیفی - تحلیلی و نظریه فرصت سیاسی سیدنی تارو و مک آدام استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، اتحاد نخبگان حاکم در سرکوب داعش، بسته بودن فضای سیاسی برای ورود آن‌ها به بدنه نظام سیاسی، ثبات و اتحاد درونی ارکان حکومت، هوشیاری سیاسی شهروندان نسبت به ماهیت داعش و عدم دسترسی به متحدین سیاسی نافذ، راه هرگونه دست‌یابی به فرصت سیاسی را برای داعش مسدود نمود و آن‌ها را در حفظ خلافت و قلمرو تحت تصرف خود ناکام گذاشت.

نتیجه‌گیری: نظریه فرصت‌های سیاسی می‌تواند شکست اعتراضات سیاسی و حرکت نیروهای جهادی سلفی در جغرافیای سیاسی عراق را که منشأ بحران‌های امنیتی - اجتماعی بودند، با دقت بالایی توضیح دهد. در چارچوب این نظریه، موقعیت داعش متأثر از دو دسته عوامل داخلی و خارجی بود. در ارتباط با عوامل داخلی، نقش اختلافات بین مقامات سیاسی و گروه‌های مذهبی و قومی قابل تأمل است. در مورد عوامل خارجی، قطع حمایت‌های مالی، نظامی و سیاسی از داعش و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای و بین‌المللی علیه داعش در پایان خلافت آن نقش مؤثری داشت.

واژگان کلیدی: داعش، سیدنی تارو، مک آدام، فرصت سیاسی، عراق.

نوع مقاله: پژوهشی

* مطالعات سیاسی جهان اسلام، تابستان ۱۴۰۰، دوره ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۳۸، ۱۳۷-۱۶۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۲/۲۷

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)



۱- مقدمه

عرصه روابط بین‌الملل، صحنه وقوع رخداد‌های مختلف و پی در پی است. از میان این رخدادها، برخی چنان حائز اهمیت می‌گردند که کل جهان را تحت تأثیر وقوع و پیامدهای خود قرار می‌دهند. ظهور داعش در قرن ۲۱، یکی از این رخدادها است. شکل‌گیری داعش، علاوه بر این که ژئوپلیتیک خاورمیانه را تغییر داد، سایر بخش‌های جهان را نیز با چالش‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی روبرو ساخت. این گروه سلفی جهادی، یکی از مهم‌ترین تغییرات جغرافیایی را از زمان اجرای توافقنامه سایکس - پیکو^۱، پس از جنگ جهانی اول بر خاورمیانه و به‌طور خاص دولت سوریه و عراق تحمیل نمود. داعش، در بهار سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) پا به عراق نهاد و خیلی زود با فتح استان‌های موصل، صلاح‌الدین، الانبار و دیالی، متصرفات خود را گسترش بخشید. آن‌ها در اوج قدرت خود، حدود ۵۶۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را که در برگیرنده ۴/۵ میلیون شهروند بود، تصرف نمودند (Teti, 2016: 5).

مهم‌ترین پیامد این رویداد، صرف‌نظر از هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی، عبارت بود از: استعفای اجباری نخست‌وزیر عراق، نوری المالکی، ورود نیروهای ائتلاف بارهبری آمریکا به عراق (Kubba, 2014: 3) مشارکت نیروهای ایرانی؛ شامل عناصر زرهی و هوایی برای مبارزه با داعش و کمک‌های نظامی و لجستیکی روسیه به عراق. بدین ترتیب، با بازیابی مجدد قدرت ارتش عراق، بخصوص حضور سپاه قدس ایران و تشکیل نیروهای بسیج مردمی عراق، به تدریج داعش در عملیات‌های متعدد شکست خورد و از خاک عراق عقب‌نشینی نمود. این شکست‌ها به معنای از دست دادن بخشی از نیروهای نظامی و از کار افتادن موتور پیش‌رونده داعش بود. به نحوی که بر اساس تحقیقات پارلمان اروپا در ماه مه ۲۰۱۸، حدود ۳۰ درصد از اعضای - داعش که سابقاً در اروپای غربی زندگی می‌کردند، پس از این شکست‌ها و طی مراحل تحقیقات جنایی و ارزیابی میزان خطری که می‌توانند برای اجتماع خود داشته باشند، به کشورهای خود بازگشتند و شواهد حاکی از کشته شدن نیروهای باقی مانده داشت (Mustafa, 2016: 4).

نقطه برجسته این عقب‌نشینی‌ها، در ماه دسامبر سال ۲۰۱۷ بود. زمانی که داعش ۹۵ درصد از قلمرو خود؛ از جمله دو منطقه مهم که عبارت بودند از: موصل - دومین شهر بزرگ - عراق - و رقه، پایتخت اسمی خلافت خودخوانده خویش در سوریه - را از دست داد. به دنبال این شکست‌ها، حیدرالعبادی، نخست‌وزیر عراق در ۹ دسامبر سال ۲۰۱۷ پیروزی این کشور بر داعش را اعلام کرد. با این شکست‌ها، به یکی از بزرگترین چالش‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه خاتمه داده شد. در همین راستا، سؤالی که مطرح می‌شود، این است که «عوامل ناکامی داعش در تشکیل خلافت در جغرافیای عراق چیست؟» برای پاسخ به این سؤال، از زوایای مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی می‌توان به آن نگریست. مقاله حاضر، قصد ندارد به علل اقتصادی

1. Sykes-Picot Agreement

(کاهش فروش نفت و قطع درآمد داعش، کاهش حمایت‌های مالی خارجی از داعش)، علل - خارجی (نقش ائتلاف بین‌المللی تحت رهبری غرب، شکل‌گیری جبهه مقاومت، کاهش حمایت - ترکیه و عربستان)، علل فرهنگی (تضادهای فکری - اندیشه‌ای) و علل نظامی (استراتژی و تاکتیک‌های جنگی) بپردازد. درعوض می‌کوشد، بر اساس نظریه فرصت سیاسی داگ مک آدام و سیدنی تارو، مدل مفهومی طراحی کند که علل داخلی و سیاسی در جامعه عراق را مورد توجه قرار دهد.

در ارتباط با پیشینه تحقیق نیز ذکر این نکته اهمیت دارد که علی‌رغم پژوهش‌های بسیاری که پیرامون ظهور داعش و تحولات آن صورت گرفته است، در ارتباط با چگونگی و چرایی - شکست این گروه تروریستی، پژوهشی‌های کمتری به شکل روشمند و علمی انجام شده است. نتایج جستجو در این باره، ما را به دو مقاله ژورنالیستی هدایت می‌سازد. مرتضی حسین (۲۰۱۸) در پژوهشی در توصیف علل شکست داعش می‌نویسد: «داعش با همان مشکلاتی روبرو است که گروه‌های مبارز غیرجهادی با آن روبرو هستند و آن این است که آن‌ها در واقع هیچ پیشنهادی در مورد چگونگی مقابله با مشکلات واقعی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که - جوامع مسلمان در سراسر جهان با آن روبرو هستند، ندارند». او به نقل از کریس آنزالون، محقق برنامه امنیت بین‌المللی مرکز بلفر هاروارد^۱ و متخصص جنبش‌های جهادی معاصر می‌نویسد: «آن‌ها از بسیاری جهات، از رژیم‌هایی که ادعا می‌کنند آن‌ها را قبول ندارند، تقلید می‌کنند. آن‌ها فقط زبان حکمرانی خود را اسلامی می‌کنند و به‌طور کلی، وقتی مناطقی را از رژیم‌های محلی می‌گیرند، عملکرد بدتری نسبت به پیشینیان خود بر جای می‌گذارند».

اکی پریتز^۳ (۲۰۱۹)، تحلیلگر سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، شکست داعش را نتیجه قاطعیت آمریکا در مبارزه با این گروه می‌داند و می‌نویسد: «ایالات متحده نشان داده که مایل است، منابع بی‌پایانی را برای جنگ با این گروه‌های تروریستی صرف کند. ایالات متحده، ۱۶ درصد از بودجه خود را بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ صرف تلاش‌های ضدتروریستی و نبرد با تروریسم کرده است که رقمی حدود ۲/۸ تریلیون دلار می‌شود. آمریکا، این جنگ را یک جنگ حیثیتی و نبرد مرگ و زندگی می‌داند ... بنابراین، تاکتیک جنگ فرسایشی داعش راه به جایی نبرده و نخواهد برد». همان‌گونه که پیداست، این دو اثر اولاً؛ به صورت تخصصی و موردی درباره عراق پژوهش نکرده‌اند. ثانیاً؛ به شیوه‌ای ژورنالیستی و به - دور از روش و نظریه به موضوع پرداخته‌اند و ثالثاً؛ تحلیل آن‌ها تک‌عاملی بوده و متغیرهای متعدد را لحاظ نکرده است.

1. Chris Anzalone
2. Harvard's Belfer Center International Security Program
3. Aki Peritz

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع توصیفی - تحلیلی با رویکرد «انطباق نظریه با مورد مطالعه» و «آزمون نظریه با مورد مطالعه» است. این ارزیابی در محدوده جغرافیایی عراق و در رابطه با «نیروی سلفی جهادی» موسوم به «داعش» صورت گرفته است.

۳- چارچوب نظری

نظریه فرصت سیاسی^۱ که به عنوان تئوری فرآیند سیاسی یا ساختار فرصت سیاسی نیز شناخته می‌شود، رویکردی تحلیلی در عرصه جامعه‌شناسی سیاسی، برای فهم جنبش‌های اجتماعی و مخالفان سیستم‌های سیاسی است. این نظریه استدلال می‌کند که موفقیت یا عدم موفقیت جنبش‌های اجتماعی، در درجه اول تحت تأثیر فرصت‌های سیاسی است. نظریه-پردازان اجتماعی همچون پیتز آیزنگر^۲، سیدنی تارو^۳، دیوید میر^۴ و داگ مک‌آدام^۵، از برجسته‌ترین حامیان این تئوری به حساب می‌آیند. از منظر آن‌ها، سه مؤلفه اساسی برای موفقیت یا شکست یک حرکت اجتماعی وجود دارد که عبارتند از:

۱- هوشیاری شورشیان: هوشیاری شورشیان؛ یعنی تحقق آگاهی جمعی نسبت به بی‌عدالتی و عدم مشروعیت نظام سیاسی و مقبول شدن کنش‌های معارضین نظام سیاسی، به گونه‌ای که افراد به مشارکت در حرکت اجتماعی تشویق شوند (Cragun & Cragun et al, 2008: 233-234). در این شرایط، معترضین راه‌حل مشکلات اجتماعی خود را در تحقق مبارزات سیاسی و جنبش‌های اعتراضی جستجو می‌کنند (David, 2004: 130-145).

۲- قدرت سازمانی: همانند استدلال اصلی نظریه بسیج منابع، در اینجا نیز این استدلال به میان می‌آید که جنبش‌های اجتماعی باید دارای ساختار و رهبری قوی و کارآمد و همراه با منابع کافی باشند. تئوری فرصت سیاسی به‌ویژه هنگامی که بر بسیج منابع خارج از جنبش، تمرکز می‌کند با نظریه بسیج منابع ارتباط پیدا می‌کند (Tarrow, 1998: 85). از همین رو، سازمان‌های وابسته و بومی نیز نقش عمده‌ای در جذب و ایجاد انگیزه بازیگران، برای پیوستن و مشارکت در جنبش‌های اجتماعی پیدا می‌کنند.

۳- فرصت‌های سیاسی: حامیان تئوری فرصت سیاسی استدلال می‌کنند که اقدامات فعالین، وابسته به وجود یا عدم وجود یک فرصت سیاسی خاص است. بدین شرح که اگر نظام سیاسی موجود در برابر یک چالش آسیب‌پذیر باشد، فرصتی را برای دیگران و بخصوص معترضین نظام سیاسی ایجاد می‌کند. بر همین مبنا، آن‌ها سعی می‌کنند از این فرصت مناسب برای تحقق یک

1. Political opportunity structur
2. Peter Eisinger
3. Sidney Tarrow
4. David Meyer
5. Doug McAdam

تحول اجتماعی استفاده کنند. در اینجا، آسیب‌پذیری می‌تواند نتیجه افزایش کثرت‌گرایی سیاسی، کاهش سرکوب، کاهش اعتبارات سیاسی، تجزیه و اختلاف میان نخبگان حاکم به‌ویژه هنگامی که برخی از نخبگان از مخالفت‌های سازمان یافته حمایت می‌کنند، باشد (Cragun, Cragun, et al: 233-234).

در این میان، از نظر داگ‌مک‌آدام، هر واقعه یا فرآیند اجتماعی گسترده‌ای که محاسبات و فرض‌های سامان‌بخش یک نظام سیاسی را تضعیف کند، تغییری در فرصت سیاسی ایجاد می‌کند. او با تکیه بر نظریه بسیج منابع، ظهور جنبش‌های اجتماعی بخصوص جنبش حقوق مدنی و معترضین به نظام‌های سیاسی را نتیجه مستقیم سه عامل فرصت‌های سیاسی، قدرت سازمانی بومی و آزادسازی شناختی یا هوشیاری می‌داند. وی که مطالعات خود را در زمینه چگونگی ظهور و افول جنبش‌های حقوق مدنی در ایالات متحده متمرکز نموده، در ارتباط با عوامل یاد شده، معتقد است: از جمله فرصت‌هایی که منجر به جنبش حقوق مدنی در آمریکا شد، عبارت بود از: تغییر جمعیت سیاه‌پوستان جنوبی و مهاجرت آن‌ها به اماکن شهری و افزایش توجه سازمان‌های بین‌المللی به مبانی حقوق بشر در دوران جنگ سرد (David, 2004: 130-145).

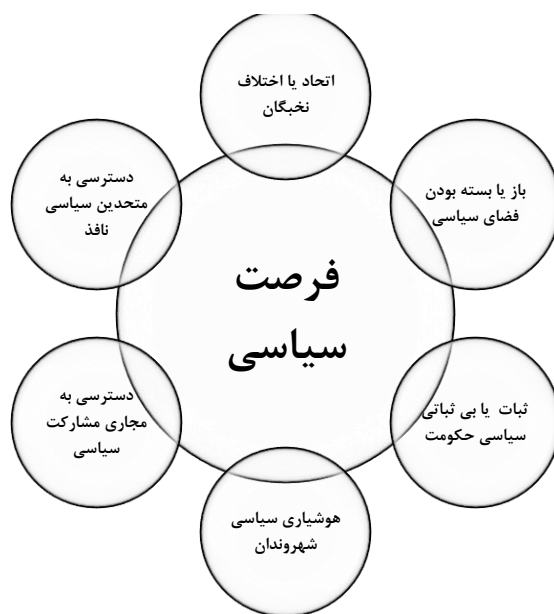
داگ‌مک‌آدام در ارتباط با عامل دوم؛ یعنی سازمان‌های بومی معتقد است که این سازمان‌ها یقیناً در بین جامعه آسیب‌دیده، امکان کنشگری پیدا می‌کنند. توضیح آنکه سازمان‌ها این امکان را فراهم می‌آورند که ۱- اعضای یک گروه شورشی تأمین نیرو شوند؛ ۲- کادر شورشی، رهبران و نخبگان فکری مناسب را پیدا کنند؛ و ۳- یک شبکه ارتباطی و روابط فردی-اجتماعی میان مردم و شورشیان فراهم شود. از منظر او، برای نهضت‌های اولیه حقوق مدنی، این مؤسسات شامل: کلیساها و کالج‌های سیاه‌پوستان و انجمن ملی پیشرفت افراد رنگین‌پوست بود که همگی آن‌ها در دهه‌های مختلف به صورت برنامه‌ریزی شده، بلافاصله قبل از ظهور عینی جنبش‌های حقوق مدنی، رشد سریعی را تجربه نمودند.

عنصر سوم؛ الگوی فرآیند سیاسی مک‌آدام، احساس آزادی شناختی در میان شرکت‌کنندگان احتمالی جنبش اجتماعی است. از منظر مک‌آدام، معترضان باید احساس کنند که سیستم سیاسی فعلی نسبت به کنش و تفکرات رهبران مخالف نظام سیاسی، فاقد مشروعیت است و مشارکت در جنبش اجتماعی آنها می‌تواند تغییر معناداری را در همه ابعاد زندگی آن‌ها بخصوص زیست‌سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها ایجاد کند. این اتفاق، نتیجه یک فرایند گروهی است و مستقیماً از فرصت‌های سیاسی و از طریق سازمان‌های محلی سرچشمه می‌گیرد. فرصتی که از باز بودن نسبی یا انسداد و بسته بودن سیستم سیاسی مستقر حاصل می‌شود.

این دسترسی به مجاری و کانال‌های مشارکت یکی از انگیزه‌های مهم برای بروز کنش جمعی است.

سیدنی تارو، یکی دیگر از اندیشمندان برجسته جنبش‌های اجتماعی بخصوص تئوری ساختار فرصت سیاسی است. از منظر او، فرصت سیاسی عبارت است از: ابعاد ثابت محیط سیاسی که با تحقق بخشیدن به شرایط شکست یا پیروزی جنبش‌های اجتماعی، به انگیزه‌های معترضین به منظور مشارکت در کنش جمعی شکل می‌دهد. به نظر تارو، ممکن است چهار تغییر برجسته در ساختار فرصت‌ها ایجاد شود که بر عملکرد و نتایج آن تأثیر بگذارد. این عوامل عبارتند از: ۱- کم و کیف دسترسی به مجاری مشارکت؛ بدین معنا که با ایجاد فضای بازتر سیاسی، امکان ورود معترضین به عرصه مشارکت و جرأت‌مندی آن‌ها بیشتر می‌شود و بالعکس. ۲- بی‌ثباتی یا باثباتی اتحادهای سیاسی در درون ارکان دولت حاکم؛ ۳- دسترسی معترضین به متحدین داخلی یا خارجی نافذ و موثر؛ ۴- شکاف درون نخبگان سیاسی (Tarrow, 1998: 85). ترکیب مبانی مورد نظر مک‌آدام و سیدنی تارو در زمینه فرصت سیاسی، می‌تواند در شاکله مدلی مفهومی زیر، برای بررسی علل ناکامی داعش در عراق استفاده گردد.

نمودار ۱- فرصت سیاسی و عوامل تغییر در جایگاه جنبش‌ها



۴- عوامل ناکامی داعش در جغرافیای عراق

۴-۱. اتحاد نخبگان حاکم

بر مبنای نظر تارو و مک‌آدام، یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر پیروزی یا شکست معترضین به نظام سیاسی، میزان اختلاف یا ائتلافی است که در میان نخبگان حاکم بر یک کشور وجود دارد. واکاوی تحولات، پس از سقوط صدام، نشان دهنده آن است که مجلس اعلای اسلامی، حزب الدعوه و گروه صدر؛ از جمله احزاب شیعی عراق بودند که در کنار رهبران مذهبی سنی و شیعه همچون آیت‌الله‌سیستانی، در نظام سیاسی عراق جدید، بیشترین تأثیرگذاری را داشتند. احزاب مذکور، با ایجاد ائتلاف عراق یکپارچه، قوی‌ترین جبهه سیاسی در پارلمان عراق (سال ۲۰۰۵) را تشکیل دادند. با وجود این، پیش از حضور داعش به صورت گسترده در عراق و ماقبل، تبدیل شدن آن‌ها به یک غیر و دشمن مشترک، رهبران شیعی در برخی موارد در ارتباط با معضلات عراق جدید، رویکردها و نظریات متفاوت و گاه متناقضی داشتند (Levitt, 2014: 3). این مسأله، قوام ائتلاف شیعیان را تحت تأثیر قرار داده و در قالب‌هایی همچون خروج صدربون از پارلمان و دولت و حتی درگیری جیش‌المهدی با دولت نوری- المالکی نمود یافت. همچنین این یک واقعیت است که پیش از ظهور داعش در سال ۲۰۰۹، مالکی، نخست‌وزیر عراق، رهبران سنی را چندان مورد توجه قرار نمی‌داد و با این کار، تنش- های فرقه‌ای را افزایش داد. (Al-Qarawee, 2014: 7).

این کار منجر به این شد که حمایت و استقبال از داعش، ابتدا در مناطق قبیله‌ای سنی - شروع شود و با این پشتوانه، داعش با عناصر نفوذی بیشتری بتواند دست به حملات انتحاری در پایتخت زند. (Hubbard, 2015: 2) پاکسازی نیروهای بعثی از دولت و ایجاد لشگری از بیکاران (بین ۲۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ نفر) اقدام بعدی نوری المالکی بود که این گروه را به سوی حمایت از داعش سوق داد و در پیش‌روی‌های نظامی آن‌ها بسیار مؤثر بود. (Dobbins Et al, 2009) با این حال، با وجود ضعف داخلی و اختلافات نخبگان حاکم بر عراق و بخصوص تفرقه‌های میان رهبران شیعه، پس از گسترش فتوحات داعش و احساس خطر جدی از سوی جامعه شیعیان، رهبران این اجتماع به خود آمده و نه تنها به دنبال منافع حزبی نرفتند، بلکه در صدد تشکیل عراق یکپارچه برآمدند. آن‌ها از ظرفیت‌هایی برخوردار بودند که عرصه را برای گسترش جغرافیای تحت تسلط داعش تنگ می‌کرد؛ از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- در دست داشتن اکثریت جمعیت عراق؛ ۲- حوزه علمیه با سابقه تاریخی و نفوذ بالا؛ ۳- حضور برخی روحانیون که امکان راهبری، هدایت، وفاق و اتحاد جامعه شیعه را میسر می نمود؛ ۴- وجود نهادها و سازمان‌های قدرتمندی؛ مانند حزب الدعوه و مجلس اعلای اسلامی عراق و توان بالای آن‌ها در کادرسازی و حامی‌پروری؛ ۵- حضور عتبات عالیات و نقش مؤثر آن در حفظ اتحاد و هویت‌یابی شیعیان و سنی‌ها؛ ۶- حضور مؤثر مستشاری نخبگان سیاسی -

نظامی شیعه از کشورهای اطراف و انتقال دانش سیاسی - نظامی؛ ۷- وجود روابط ایدئولوژیکی برخی شخصیت‌ها و گروه‌های شیعه؛ مانند مجلس اعلا با برخی از کشورهای مهم خاورمیانه همچون ایران و کویت (4: 2014, Al-Ali).

از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که باعث اتحاد میان نخبگان حاکم در عراق گردید، فتوای شخصیتهای کاریزما و مردمی عراق در زمان مناسب بود. توضیح آنکه پس از تصرف موصل به وسیله داعش، آیت‌الله سیستانی، مرجع عالی شیعه با فتوایی مهم، همه شهروندان عراقی را به جهاد مسلحانه علیه داعش فراخواند. با این اقدام، چندین هزار داوطلب شیعی، به گروه‌های مسلح و مخالف داعش پیوسته و آموزش‌های لازم را از سوی مستشاران نظامی ایرانی دریافت کردند. (5: 2014, Dehghanpisheh) به پشتوانه فتوای سیستانی و حمایت‌های ایران از بسیج مردمی، نخست‌وزیر مالکی، طی فرمانی دستور ایجاد کمیسیون نیروهای بسیج مردمی حشدالشعبی را صادر نمود. سرانجام، ده‌ها گروه مسلح در حشدالشعبی ادغام شدند و لشگری عظیم در برابر داعش شکل گرفت. در دوم دسامبر ۲۰۱۴ نیز دولت عراق، قراردادی را با دولت اقلیم کردستان برای تقسیم منابع نفتی و نظامی این کشور برای شکست داعش امضا کرد. این مسأله، گام مؤثری در وحدت نخبگان کُرد عراق و دولتمداران حکومت مرکزی ایفا کرد.

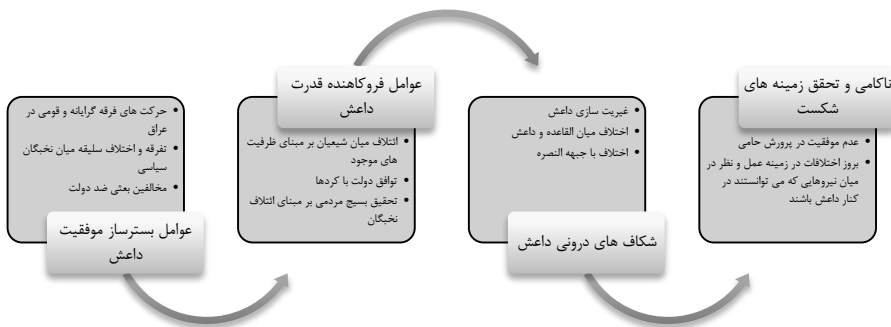
در ارتباط با ائتلاف میان نخبگان سلفی - جهادی نیز باید متذکر شد که از طرفی غیریت-سازي داعش، عاملی مهم در عدم تحقق شکل‌گیری ائتلاف با آنها بود. از طرف دیگر، اقدامات و جنایت‌های آنها، جایی برای حمایت کردن باقی نمی‌گذاشت. آنها گرچه برخی عملیات‌های مشترک را با برخی گروه‌های مسلح مخالف؛ مثل بعضی‌های سابق انجام می‌دادند، ولی هم‌پیمانی با آنها را جایز نمی‌دانستند؛ چون آنها را غیر دانسته و در نتیجه، فقط با جبهه النصره هم‌پیمان بودند. آنها حتی نتوانستند حمایت القاعده به‌عنوان بزرگترین گروه تروریستی در جهان را تا انتها با خود داشته باشند و این گروه تروریستی، زمانی که در ژانویه ۲۰۱۴، داعش شهر رقه سوریه را تصرف نمود، در ۳ فوریه ۲۰۱۴ اعلام کرد: «در مورد شکل‌گیری داعش، مشورت نشده است؛ لذا از تکثیر و گسترش مأموریت‌های نظامی [که موجب پراکنده شدن گروه‌های سلفی می‌گردد] ناراضی است و خواستار تعلیق این تصمیم است.» (Arosoaie, 2015: 33-36)

اقدام بعدی داعش که به ائتلاف‌سازی و تداوم حیات آن ضربه زد، اجرای شریعت اسلامی به شکل خشن و نبرد همزمان آن با شیعیان، یهودیان، مسیحیان و سایر فرقه‌ها و مذاهب بود. این کنش و اعمال غیرعقلانی، متعاقب آن نه تنها آنها را از اجماع نخبگان دور کرد، بلکه عرصه را برای اهل تسنن نیز تنگ کرد. به‌عنوان مثال؛ هرکس از اهل سنت که به کشتار مسیحیان، دروزی‌ها، علویان یا شیعیان اعتراض می‌کرد، اعدام می‌شد؛ چنان که برخی از مشایخ مشهور اهل سنت، در ردیف حلب به‌خاطر همین انتقادات کشته شدند. بر اساس اطلاعاتی که سایت «حراک»، روز ۶ سپتامبر ۲۰۱۴ منتشر کرد، تا آن زمان دست کم ۵ هزار نفر از اهل -

تسنن در ۱۲ کشتار در عراق کشته و ده‌ها هزار نفر دیگر نیز زخمی شده بودند. در فلوجه، دست‌کم ۳ هزار نفر، به دست گروه داعش کشته یا زخمی شدند. شبه‌نظامیان داعش در «جرف-الصخر» در شمال استان بابل با حمله به منازل مسکونی مردم، ۱۰۰ شهروند عراقی را در این منطقه سنی‌نشین کشتند. همچنین حضور داعش در این منطقه، باعث فرار ۲۷۰ خانواده گردید (Ghosh, 2015: 4). مجموعه این اقدامات باعث شد تا رهبران القاعده چون ایمن الظواهری طی پیام‌هایی، انتقادات گسترده‌ای نسبت به رفتارهای داعش مطرح کنند و توصیه کنند که به صرف تفاوت دینی، فکری و توهامات ذهنی کسی را نکشند، مگر این که شروع به نبرد و جنگ علیه آن‌ها کرده باشد.

دامنه این کشتارها، به تدریج به زنان و کودکان اهل سنت نیز رسید؛ چرا که معتقد بودند: «غیرنظامی‌ها نباید باعث تعطیل و تأخیر جهاد بشوند» (Sly, 2014: 7). این در حالی بود که برخلاف داعش، جبهه‌النصره این تفکر را قبول نداشت و حتی معتقد بودند که اگر در عملیاتی جان غیرنظامی‌ها به خطر می‌افتد، شروع این عملیات جایز نیست. همچنین مسأله دیگری که اهل سنت عراق را آزار داد، قوانین بسیار سخت‌گیرانه‌ای بود که داعش در مناطق تصرف شده وضع می‌کرد. تازیانه زدن استعمال‌کنندگان دخانیات در انتظار عمومی و اجرای حدود حتی بر دختران کوچک فاقد حجاب، از جمله این موارد بود (Spencer, 2013: 4). بنابراین، این شکاف‌های درونی و نیز مخالفت افکار عمومی با اقدامات داعش، این گروه تروریستی را در زمینه ائتلاف‌سازی با مشکل مواجه ساخت و نتوانست شرط اول ذکر شده در نظریه فرصت سیاسی برای پیروزی و کسب قدرت را تأمین کند.

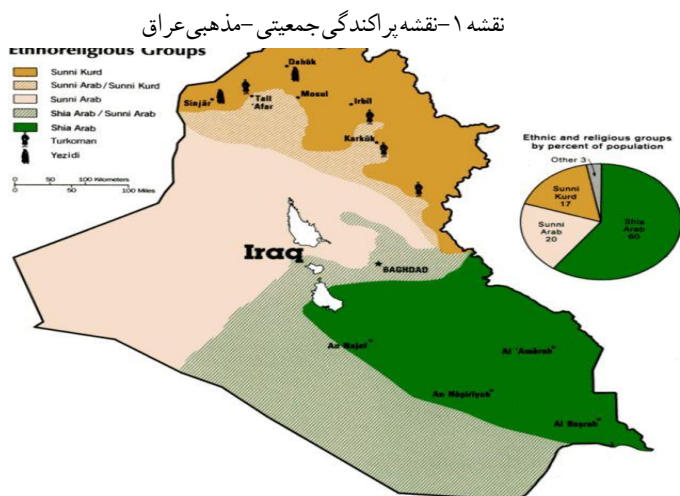
نمودار ۲- اتحاد و اختلاف نخبگان و چگونگی ناکامی داعش در این زمینه



۴-۲. دسترسی به متحدان سیاسی نافذ

بخش دوم نظریه، فرصت سیاسی به این مسأله می‌پردازد که برای موفقیت یک گروه سیاسی، دسترسی به متحدین سیاسی نافذ، امری لازم و ضروری است. سؤال اساسی این است

که آیا سلفی‌های جهادی به متحدیدن سیاسی قابل اتکایی در عراق دسترسی داشتند؟ آیا در بدنه سیستم سیاسی مورد حمایت جناح، حزب یا رکنی از دولت عراق قرار گرفتند؟ واقعیت آن است که بیشتر حامیان داخلی داعش در عراق از اعراب اهل سنت بویژه عشایر مناطق غربی بودند. عرب‌های اهل سنتی که با حمله آمریکا به عراق و فروپاشی رژیم صدام، اضمحلال دولت سنی، محور کاهش نفوذ و درآمد خود را تجربه می‌کردند. این اقلیت مذهبی که تا پیش از این با جمعیتی حدوداً ۲۰ درصدی، بر کل سرزمین عراق حکومت می‌کرد، به خوبی می‌دانست که تسلط مجدد بر عرب‌های شیعه و کردها به سادگی در یک فضای دموکراتیک حاصل نمی‌شود؛ ضمن این که عرب‌های سنی برای تجزیه عراق همواره دو مشکل اساسی، پیش روی خود احساس می‌کردند: از یک طرف نیروی انسانی و حمایت مورد نیاز و جغرافیای استراتژیک و مهمی را در اختیار نداشتند و از طرف دیگر، باید تمام توان خود را صرف مبارزه با کردهای قدرتمند بر سر حاکمیت کرکوک (مناطق نفت‌خیز) می‌کردند که کاری سخت و دشوار بود (Wright, 2014: 3).



Source:(wordpress, 2015)

جنگ با کردها به سبب اتحاد آن‌ها با دولت مرکزی و به خطر افتادن منابع مالی دولت - عراق و وجود همسایگانی چون ایران، نمی‌توانست پیروزی مورد نظر را برای عرب‌های سنی تضمین نماید؛ پس دو راه بیشتر پیش روی آن‌ها نبود: ۱- کسب قدرت با مشارکت سیاسی و ورود به جامعه مدنی؛ ۲- پشتیبانی از معترضین داخلی نظام سیاسی شیعه‌محور و جلب حمایت بیرونی با پیوند زدن هویت خود به اعراب اهل تسنن منطقه. در مورد گزینه اول، به سبب در اقلیت بودن، ورود به جامعه مدنی، شانس چندانی در ساختار سیاسی نصیب اهل تسنن نمی‌کرد. به همین خاطر، برخی گروه‌های سنی، شانس خود را با پیگیری گزینه دوم به محک آزمون گذاشتند.

ظهور داعش در سوریه و حمایت آن از سوی عربستان، قطر و امارات، گزینه‌ای در دسترس برای این گروه معترض و مدعی بود. لذا، نخستین پیوندها از این بخش از بدنه جامعه عراق با داعش برقرار شد. این حمایت‌های نسبی به سلفی‌های جهادی اعتماد به نفس داد تا توسعه‌طلبی خود به سمت شرق را در پیش گیرند. این حمایت‌ها، اگرچه برای موفقیت‌های نظامی اولیه داعش مفید بودند، اما برای تضمین تداوم حیات سیاسی آن در عراق کافی نبودند. دلیل آن را در دو عامل باید جستجو کرد؛ نخست این که اهل تسنن نه در پارلمان و نه در وزارت‌خانه‌ها، در هیچ کجا دست برتر را نداشتند؛ لذا نتوانستند در مرکز و ثقل قدرت سیاسی، کمک چندانی به داعش نمایند. دوم اینکه؛ دایره حمایت آن‌ها محدود و در سطح محلی بود. این حمایت نیز با ظهور نخستین نشانه‌های خشونت علیه اهل تسنن از سوی داعش کمرنگ گردید. اشتباهات - داعش باعث گردید تا نه تنها اندک متحدین داخلی خود را از دست‌دهد، حتی به تدریج حمایت خارجی از این گروه نیز کم‌فروغ شود. شکل‌گیری ائتلافی از سوی ۳۴ کشور مسلمان و اعلام آمادگی برای مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی،^۱ نقطه اوج از دست دادن این حمایت‌ها در سال ۲۰۱۵ بود (Payne & Abdelaziz, 2015:7).

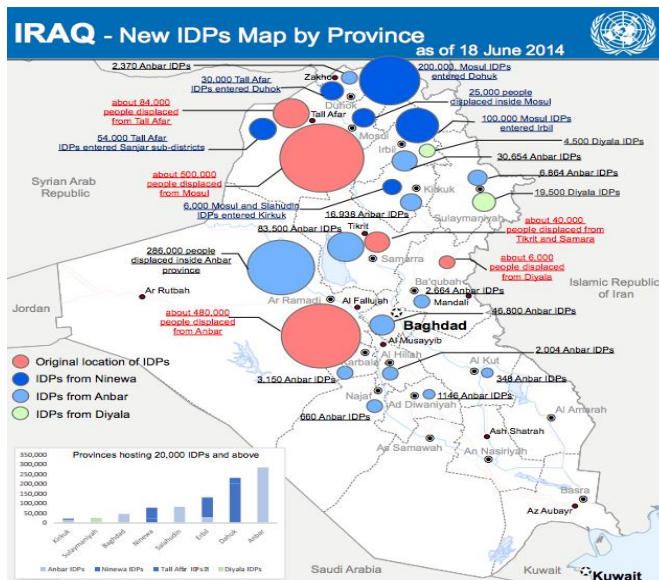
یکی از اقدامات عجیب داعش که به نوعی می‌تواند ناشی از ایدئولوژی غیریت‌ساز آن باشد و در ادامه به خودتخریبی بیشتر آن منتهی شد، رویارویی این گروه تروریستی با سایر هم‌تایان خود بود. اقدامی که ائتلاف‌های نیم‌بند این گروه با جبهه‌النصره را نیز از هم گسست. توضیح آن که ابوبکر البغدادی برای این که در میان سلفی‌های جهادی عراق شکاف ایجاد نشود، نیروهای غیرعراقی القاعده را به رهبری «ابومحمد الجولانی»، به مبارزه مسلحانه با دولت سوریه فرستاد. او نیز گروه «جبهه‌النصره لاهل الشام» را در سال ۲۰۱۱ میلادی به وجود آورد. (Foad, 2015:123). با قدرت‌یابی جبهه‌النصره، ابوبکر البغدادی احساس خطر کرد و به همین جهت در سال ۲۰۱۳ میلادی، طی یک پیام صوتی، جبهه‌النصره را زیرمجموعه «داعش» قلمداد نمود و تلاش کرد تا ضمن انحلال این گروهک، آن را در داعش ادغام کند (Foad, 2015: 249). این ادغام با مخالفت شدید «الجولانی» مواجه شد. از همین رو، اختلاف و درگیری‌های - شدیدی میان آنان صورت گرفت؛ به گونه‌ای که «ایمن الظواهری»، رهبر القاعده، برای پایان - دادن به آن، طی بیانیه‌ای دستور لغو ادغام آن‌ها را صادر کرد. الظواهری در این بیانیه تأکید کرده بود که داعش یا فعالیت‌های خود را محدود به جغرافیای عراق کند و یا در سوریه مطابق منویات رهبر جبهه‌النصره عمل نماید. ابوبکر البغدادی ضمن رد این بیانیه، در نوار صوتی مجزایی، مخالفت شدید خود را اعلام کرد. او سپس بیعت خود را با رهبر القاعده شکست و ادعا کرد؛ رهبری جز اسامه بن لادن در القاعده نمی‌شناسد و شبه‌نظامیان داعش در سوریه باقی‌خواهند ماند. با بروز این اختلافات بین سران القاعده، داعش و جبهه‌النصره، داعش از

1. Muslim extremism

القاعده جدا شد و القاعده هم داعش را منتسب به خود ندانست و آن را به رسمیت نشناخت (Nazal, 2019: 101). در نتیجه، نیروهای هر دو گروه در هر منطقه‌ای از عراق و به خصوص سوریه به هم دسترسی پیدا می‌کردند؛ به دلخراش‌ترین وضع ممکن مثل سلاخی، ذبح کردن، سوزاندن و ... یکدیگر را می‌کشتند. (Burke, 2017)

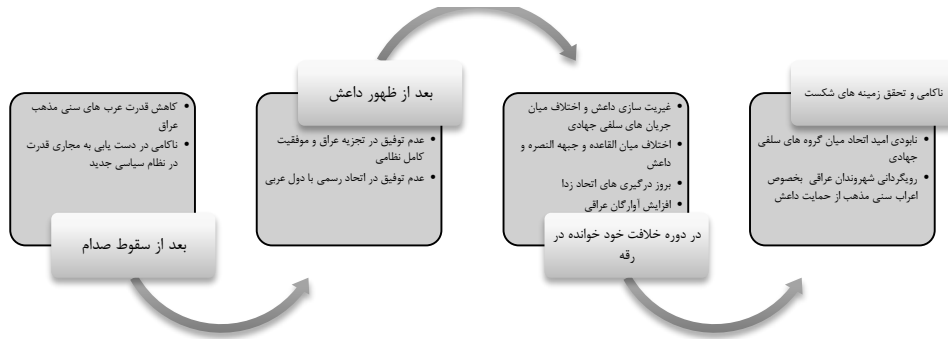
مسئله دیگری که در اینجا باید به عنوان یکی از موانع اتحاد سیاسی - اجتماعی با داعش بدان اشاره نمود، مقوله آواره شدن بخش زیادی از مردم عراق است. بنا بر گزارش سازمان ملل متحد تا اواسط ژوئن ۲۰۱۴، درگیری‌ها در عراق بیش از ۱ میلیون نفر یا حدود ۳ درصد از جمعیت این کشور را آواره نمود. بسیاری از این افراد باید در اردوگاه‌های موقت پناهندگان در مناطقی که تحت تأثیر جنگ نبودند، اسکان داده می‌شدند. داعش باید می‌دانست که این یک مشکل استراتژیک برای آن‌ها نیز هست، زیرا مهاجرت دسته‌جمعی همه قومیت‌ها و مذاهب به - خصوص عرب‌های سنی از مناطق تحت کنترل داعش، نشانه آن بود که اهل سنت نگران زندگی در مناطق تحت اشغال داعش هستند. (Roumina, alavi shushtari, Hafeznia, 2020: 39-45)

نقشه ۲- نقشه آوارگان (IDPs) جدید عراق بر مبنای استان‌ها از ۱۸ ژوئن ۲۰۱۴



source: (Beauchamp, Fisher, Matthews, 2014)

نمودار ۳- دسترسی به متحدان سیاسی نافذ و چگونگی ناکامی داعش در این زمینه

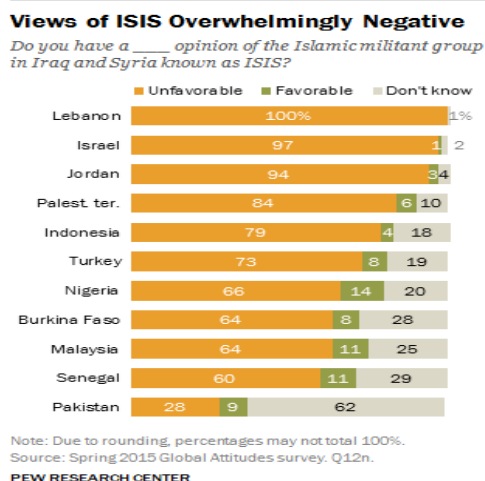


۴-۳. هوشیاری سیاسی شهروندان

مسئله دیگری که سیدنی تارو و مک آدام به آن می پردازند، مقوله هوشیاری شهروندان نسبت به مشروعیت نیروهای مبارز و معترض به حکومت و به طور کلی فضای سیاسی - یا اجتماعی حاکم بر جامعه است. اساساً در اینجا مسئله این است که شهروندان چه شناختی از تحولات داخلی دارند؟ آیا عدم توزیع مناسب امکانات و نابرابری در جامعه به حدی است که نیروهای معاند نظام سیاسی را جایگزین مناسبی برای نظام حاکم بدانند؟ به عبارتی، آیا معترضین سیاسی، از محبوبیت و مقبولیت لازم در میان شهروندان برخوردار هستند؟ به نظر می رسد، فهم این - مسئله مهم نیازمند تعمق در شواهد و استناد به نظرسنجی ها برای شناخت دیدگاه های شهروندان نسبت به گروه های سلفی جهادی است. علاوه بر این، با توجه به این که داعش، یک رویداد بزرگ برای جامعه جهانی بود و از اقصا نقاط مختلف جهان، افرادی به آن پیوستند، باید مستند و به صورت آماری نوع نگاه جامعه جهانی نسبت به آن ها سنجیده شود. واکاوی واقعیات حامیان داعش، نشان می دهد که بیش از ۳۰،۰۰۰ مسلمان، از حدود ۱۰۰ کشور به سلفی های جهادی در عراق و سوریه پیوسته اند. با این وجود، واقعیت بسیار بااهمیت تر این است که شمار مطرح شده در برابر جمعیت بیش از یک میلیارد و ششصد میلیون جهانی اسلام، بسیار اندک هستند. بر اساس داده های منتشر شده ای که مرکز تحقیقات پیو^۱ در ۱۱ کشور اسلامی از نیجریه تا اردن و تا اندونزی جمع آوری نموده، نشان داده است که شهروندان این کشورها به طور چشمگیری نظرات منفی درباره داعش داشته اند. در این میان، پاکستان یک استثناء بود که البته اکثریت آن ها ادعا نموده بودند که درباره داعش شناخت ندارند و تنها ۹ درصد جمعیت این کشور از داعش حمایت نموده بودند. این نظرسنجی به عنوان بخشی از نظرسنجی جهانی و سالانه مرکز تحقیقات پیو در آوریل و مه سال ۲۰۱۵ انجام شد. واکاوی ارزیابی مردم از داعش نشان می دهد که در هیچ کشوری بیش از ۱۴ درصد مردم نگرش مطلوبی نسبت به داعش نشان نداده اند. (Pew Research Center, 2015)

1. Pew Research Center

نمودار ۴- شما درباره گروه نظامی اسلامی معروف به داعش در عراق و سوریه چه نظر دارید؟



Source: (Pew Research Center, 2015)

در نظر سنجی دیگری که به تفکیک قومیت هر کشور در سال ۲۰۱۵ انجام شد، این سؤال مطرح شده بود که چه دیدگاهی نسبت به داعش دارید، باز هم نتیجه مانند نظر سنجی پیشین شده بود. مطابق این نظر سنجی، در لبنان تقریباً هر شخصی که نظر می داد، نظر نامطلوبی درباره داعش داشته است؛ از جمله ۹۹ درصد شهروندان، دیدگاهی نامطلوب نسبت به داعش داشته اند که سهم مسلمانان سنی لبنان، ۹۸ درصد نامطلوب بوده و ۱۰۰ مسلمانان شیعه و مسیحیان لبنان از داعش اعلام بیزار می نمودند. علاوه بر این، اسرائیلی ها (۹۷ درصد)، اردنی ها (۹۴ درصد) و ۸۴ درصد شهروندان فلسطینی، دیدگاه منفی نسبت به داعش داشته اند.

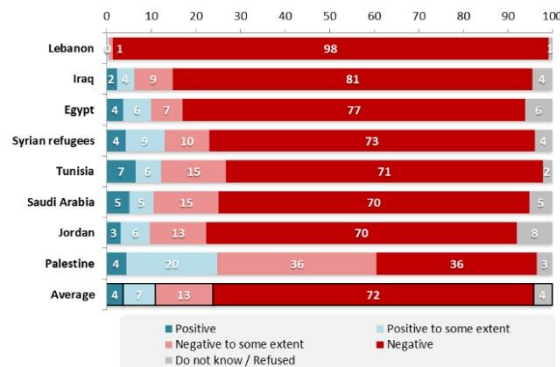
جدول ۱- عقاید داعش درباره دین، قومیت و قلمرو شما درباره گروه نظامی اسلامی معروف به داعش در عراق و سوریه چه نظری دارید؟

کشور	گروه	نامطلوب	مطلوب	نمی دانم
		%۱۰۰	۰%	%۰
لبنان	مسیحی	۱۰۰	۰	۰
	شیعه	۹۸	۱	۲
	سنی	۹۸	۰	۲
اسرائیل	یهودی	۹۱	۴	۵
	عرب	۹۲	۵	۳
فلسطین اشغالی	غزه	۷۹	۸	۱۳
	کرانه غربی	۶۶	۵	۲۹
بورکینافاسو	مسیحی	۶۴	۹	۲۶
	مسلمان	۷۱	۷	۲۲
نیجریه	مسیحی	۶۱	۲۰	۱۹
	مسلمان	۶۷	۱۲	۲۱
مازی	مسلمان	۶۵	۶	۲۹
	بودایی			

Source: (Pew Research Center, 2015)

همچنین مطابق تحقیقی که توسط مرکز عربی و تحقیقات سیاسی در قطر انجام شد، تنها دو درصد از شهروندان عراقی در پاسخ به این سؤال که به طور کلی، دیدگاه مثبت یا منفی نسبت به داعش دارید، به داعش رأی مثبت دادند. نتایج این تحقیق، به طور کلی نشان دهنده عمق انزجار عمومی اعراب و شهروندان کشورهای اسلامی در مورد داعش است. نکته جالب این است - هنگامی که از آن‌ها خواسته شد تا دلایل حمایت داعش را در میان حامیان خود در کشورهای مختلف توضیح دهند، فقط ۱۳ درصد از پاسخ‌دهندگان پابندی این گروه به اصول اسلامی را ذکر کردند. بیشتر آن‌ها (۵۵ درصد) پشتیبانی از داعش را با ذکر دلایل دیگری توضیح می‌دهند که عبارتند از: ۱- دستاوردهای نظامی آن؛ ۲- آمادگی آن برای به چالش کشیدن غرب؛ ۳- مخالفت آن‌ها با دولت سوریه و عراق؛ ۴- احتمال حمایت آن‌ها از جامعه مسلمان سنی در شام. (Arab Center for Research and Policy Studies, 2015)

نمودار ۵- پاسخ‌های پاسخ‌دهندگان به سؤال «به طور کلی، آیا شما دیدگاه مثبت یا منفی نسبت به داعش دارید؟»



Source: (Arab Center for Research and Policy Studies, 2015)

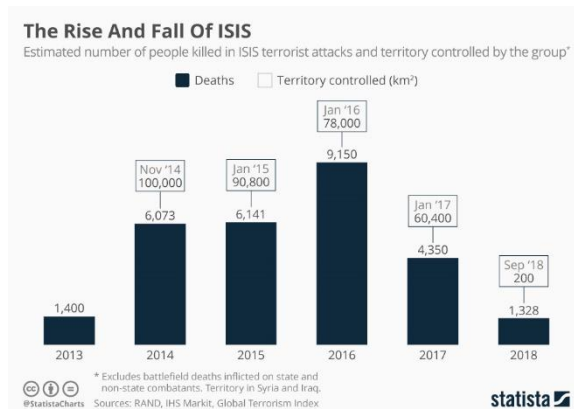
در نظرسنجی دیگری که در مورد حمایت از بمب‌گذاری‌های انتحاری علیه غیرنظامیان در بین مسلمانان به وسیله مؤسسه پیو انجام شده بود، ۹۱ درصد از شهروندان عراقی، تحت هیچ - شرایطی عملیات انتحاری را قابل توجیه ندانستند. (Pew Research Center, 2013)

به گفته تام‌لینچ^۱، اکثر مسلمانان سنی و حامی عراقی و شبه‌جزیره عربستان گرچه برخی از گلایه‌های مشابهی را درباره دولت دارند که باعث ایجاد داعش در عراق و سوریه شد، اما در مجموع معتقد نیستند که ایجاد خلافت برای اجرای عدالت و تحقق اندیشه سیاسی و اجتماعی مسلمان ضروری است (Lynch, 2015:2). به نظر می‌رسد، عمده‌ترین دلیل اصلی چنین واکنش منفی حتی در میان حامیان داعش، میزان خشونت و کنش‌های غیرعقلانی آن‌ها است. این گروهک سلفی - جهادی، حملات تروریستی ویرانگری را در سرتاسر خاورمیانه و فراتر از آن انجام داد. بر اساس شاخص جهانی تروریسم، ۶۱۴۱ نفر در سال ۲۰۱۵ کشته شدند. در آن -

1. Tom Lynch

سال، تروریست‌های داعش ۱۳۰ نفر را در پاریس کشتند و یک سال بعد، بروکسل و نیس نیز هدف حمله قرار گرفتند. به استثنای مرگ و میرها، شهروندان نظامی و غیرنظامی در میدان‌های نبرد داعش در سال ۲۰۱۶، ۹۱۵۰ نفر را به قتل رساند. (Statista Research Department, 2019)

نمودار ۶- تعداد شهروندان کشته شده به وسیله حملات تروریستی داعش و قلمرو تحت کنترل آن‌ها بر حسب سال به استثنای مرگ و میر نظامیان و غیرنظامیان در نبردها



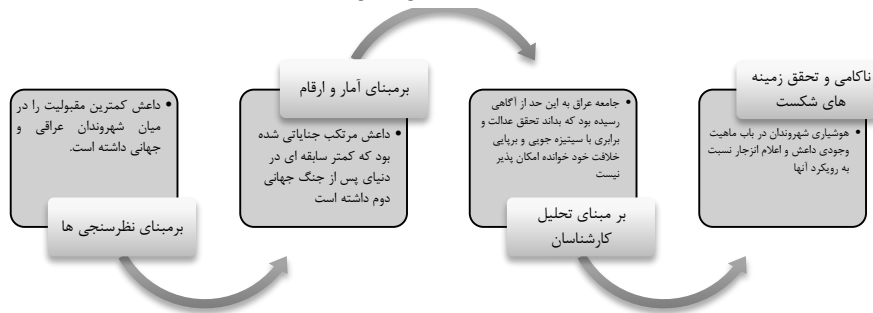
Source: (Statista Research Department, 2019)

مسأله دیگری که در فهم هوشیاری شهروندان عراقی در برابر داعش قابل تأمل است، نوع - رویکرد عملی آن‌ها در برخورد با این پدیده سلفی - جهادی است. واقعیت آن است که یکی از اولین و مهم‌ترین شکست‌های داعش، شکست آن‌ها در محاصره کوبانی بود که اکنون به‌عنوان یک نقطه عطف بزرگ در نابودی آن در نظر گرفته شده است. این در حالی بود که در این نبرد و نبردهای دیگر، شهروندان عراقی در قالب بسیج مردمی با همکاری کردها، مسیحیان و سنی - مذهب عراقی، بیشتر عملیات‌های زمینی را انجام می‌دادند. به‌گونه‌ای که شجاعت و تدبیر این - افراد خودجوش محلی، توجه قدرتمندترین ارتش جهان را به خود جلب می‌کرد؛ زیرا نیروی هوایی ایالات متحده و روسیه در تسخیر فتوحات داعش به زحمت افتاده بودند. (McCarthy, 2019: 3)

علی‌رغم این شکست‌های سنگین، این گروه همچنان موفق به کشتن بیش از ۱۳۰۰ نفر در حملات تروریستی سال ۲۰۱۸ شد. این حجم از قتل و ترور، چیزی جز نفرت در نگاه شهروندان جهانی نمی‌توانست به همراه داشته باشد. به‌گونه‌ای که در انگلستان بر اساس تحقیقات استاتیسیتا^۱ در ۲۰ فوریه ۲۰۱۹، شهروندان این کشور، در پاسخ به این سؤال که «آیا فکر می‌کنند دختری که برای پیوستن به داعش فرار کرده است، باید به انگلستان برگردد؟»، اکثر پاسخ‌دهندگان گفتند که دختر مورد نظر اجازه بازگشت ندارد. میزان و تعداد این افراد بر اساس سن پاسخ‌دهندگان افزایش می‌یافت. به‌عنوان مثال؛ در حالی که ۷۹ درصد از شهروندان ۵۰-۶۵

ساله معتقد بودند که این دختران نباید اجازه بازگشت داشته باشند، ۸۲ درصد افراد بالای ۶۵ سال معتقد بودند، به هیچ وجه نباید امکان بازگشت آن‌ها فراهم شود (Statista Research Department, 2019). بنابراین، داعش حتی اگر بر مبنای نابرابری‌ها و نقض دموکراسی در سرزمین عراق هم به وجود آمده بود، به خاطر هزینه‌های روانی، جانی، مالی، فرهنگی و اقتصادی زیادی که بر کشور عراق در سطح خرد و جهان بشری در سطح کلان وارد نمود، نمی‌توانست مورد حمایت شهروندان عراقی و سایر کشورها قرار گیرد. کما این که از ابتدای تأسیس خلافت خودخوانده خویش در رقه تا پایان خلافت، علی‌رغم تصرف بخش‌های عمده‌ای از سوریه و عراق، هیچ دولتی حاضر به شناسایی رسمی آن به‌عنوان یک دولت نگردید و هیچ کارآمدی بیش از حاکمان قبلی این مناطق از خود به نمایش نگذاشت (Hussain, 2018).

نمودار ۷- هوشیاری شهروندان و چگونگی ناکامی داعش در این زمینه



۴-۴. دسترسی به مجاری مشارکت سیاسی

مطابق مدل مفهومی سیدنی، تارو و داگ مک‌آدام، معارضین و مخالفین دولت هر چقدر که بتوانند، دسترسی به مشارکت سیاسی آزادانه داشته باشند و در بدنه نظام سیاسی وارد شوند، می‌توانند در رویارویی با حاکمیت بهتر عمل نمایند. بررسی تحولات اجتماعی در جغرافیای سیاسی عراق نشان می‌دهد که از مارس ۲۰۰۳ تا زمان خروج کامل نیروهای نظامی آمریکا از عراق در دسامبر ۲۰۱۱، عراقی‌ها تنها در پنج نوبت به پای‌صندوق‌های رأی رفتند. در ژانویه ۲۰۰۵، آنها مجلس مؤسسان^۱ و شوراهای استانی را انتخاب کردند. در اکتبر ۲۰۰۵، در همه‌پرسی قانون اساسی، مصوبات مجلس مؤسسان را تأیید کردند. در دسامبر ۲۰۰۵، اولین پارلمان دموکراتیک خود را بر اساس قانون اساسی جدید انتخاب کردند. در ژانویه ۲۰۰۹، برای دومین بار، شوراهای استانی را انتخاب کردند. در مارس ۲۰۱۰، مجلس دوم را انتخاب کردند (Visser, 2011: 66). پس از خروج آمریکایی‌ها از کشور، توجه سیاسی در عراق به سرعت به مرحله سوم انتخابات استانی آوریل ۲۰۱۳؛ یعنی ششمین رویداد مهم انتخاباتی سراسری در این کشور جلب شد. با این وجود، سال‌ها درگیری و ناامنی، فرآیند تاریخی ملت‌سازی تحمیلی و

الیگارشیک، وجود بنیان‌های غیردموکراتیک، خشونت سیاسی و فقدان دولت مقتدر و کارآمد، امکان انجام تغییرات معنادار سیاسی و اصلاحات دموکراتیک را در عراق، پس از سال ۲۰۰۳ تضعیف نمود. تمرکز جامعه بین‌المللی و دولت عراق بر مقابله با تروریسم و تنش‌های داخلی، عملاً تلاش‌های دموکراتیک‌سازی در این کشور را ناکام گذاشت. در ۱۷ سال گذشته، اگرچه ثبات نسبی سیاسی در سطح نخبگان حفظ شده است، اما در زمینه مشارکت سیاسی و دست‌یابی به قدرت، نتایج ملموسی برای شهروندان عادی بخصوص اهل سنت در رقابت با نخبگان شیعی ایجاد نشده است. این امر با توجه به میراث استبدادی عراق، ویژگی‌های شخصیتی نوری المالکی و درخواست‌های گاه به‌گاه نخبگان قدرت برای بازگشت یک «فرد نیرومند»، امری سهل‌الوصول نبوده است. علاوه بر این، واکنش خشونت‌آمیز دولت به‌خواسته‌های مشروع و بعضاً نادرست عراقی‌ها نشان می‌دهد که ممکن است، موج اقتدارگرایی بار دیگر به این کشور بازگردد (Visser, 2010: 68-80).

بنابراین، این دیدگاه خوش‌بینانه که معتقد است، انتخابات پارلمانی عراق از زمان سقوط صدام حسین، منعکس‌کننده تکامل دموکراتیک، سازماندهی نهادهای مدنی و درونی‌سازی ارزش‌های دموکراتیک و عقلانیت رفتارهای رقبای سیاسی است، با واقعیت متفاوت است. به‌عنوان مثال؛ کمیسیون عالی انتخابات عراق^۲ که در ابتدا به‌عنوان یک نهاد مستقل تشکیل شده بود، اکنون توسط هیأت‌رئیس‌های اداره می‌شود که اعضای آن با سهمیه حزبی انتخاب می‌شوند. این به معنای وجود پیوندهایی بین آن‌ها و احزاب بزرگی است که این کمیسیون را انتخاب کرده‌اند. این کمیسیون، علی‌رغم تجربیاتی که کارکنان آن کسب کرده‌اند، نتوانسته است فعالانه عمل نموده و خود را به‌عنوان یک بازیگر قابل اعتماد و بی‌طرف معرفی کند. با این وجود، مسأله اصلی نه کمیسیون عالی انتخابات عراق و عملکرد آن، بلکه گروه‌های سیاسی هستند که اصرار دارند استقلال این کمیسیون را از خود سلب کنند و بر این اساس، خود را به قوانین رقابت آزاد و منصفانه متعهد نمی‌دانند. این یک واقعیت است که پس از گذشت سال‌ها از سقوط رژیم صدام حسین، احزاب بزرگ عراقی هنوز فاصله زیادی با احزاب دموکراتیک دارند. اکثر آن‌ها به شکل پاتریمونیا ل اداره می‌شوند (Hasan, 2018). این وضعیت، منجر به شکاف‌های مترکم و نه متقاطع در جامعه و جغرافیای سیاسی و اجتماعی عراق شده که اختلافات قومی، زبانی و مذهبی از نموده‌های مشخص آن است. از همین رو و به دلیل وجود بنیان‌های غیردموکراتیک، زمانی که صدام سقوط کرد، نه دولت انتقالی پل‌برمر^۳ توانست به دولت و ملت سازی غیراجباری کمک کند و نه انتخاب دموکراتیک ایاد علاوی و اخلاف آن؛ یعنی نوری-المالکی. مجموعه این عوامل، منجر به تحقق دموکراسی‌شکننده و ناپایدار در عراق شده است.

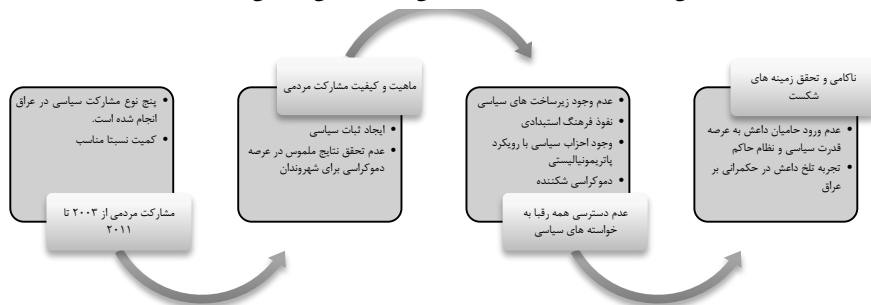
1.Strongman

2.the Iraqi High Electoral Commission(IHEC)

3.Lewis Paul "Jerry" Bremer

بنابراین، با وجود این که از زمان سقوط رژیم صدام، پیشرفت‌هایی به وجود آمده است، برخی قومیت‌ها، مذاهب و به‌طور کلی جامعه زنان در عراق همچنان در متن زندگی سیاسی قرار ندارند و امروزه طبقه متوسط در این کشور بی‌تحرک است. گفتمان حاکم در عراق، طی سال‌های گذشته، به بهانه‌های مختلف چون حفظ امنیت، مشارکت سیاسی را نادیده گرفته است. لذا باید گفت؛ چندین دهه حکومت استبدادی، تقسیمات قومی - فرقه‌ای، عدم امنیت و هژمونی - دولت بر اقتصاد ملی، دسترسی به مجاری مشارکت سیاسی را از میان برده است. البته ذکر این نکته لازم است که تصریح شود، نظام‌های سیاسی در جغرافیای خاورمیانه، به‌عنوان مدافع حقوق اجتماع و حافظ دوام دولت، در بسیاری موارد محدود شدن مشارکت سیاسی را لازم می‌بینند. به‌عنوان مثال؛ روابط بین گفتمان حاکم در عراق و جمعیت کُرد این کشور در بحث برگزاری همه‌پرسی استقلال کردها تلخ بوده است. کردها، سال‌ها است که در کشور عراق خواهان استقلال کامل هستند و این مسأله را حق خود می‌دانند، اما دولت عراق عمیقاً با این مسأله مخالف است. جمعیت سنی‌نشین عراق، پس از سرنگونی گفتمان بعثی، همواره خواهان حقوق سیاسی - اجتماعی برابر با شیعیان و کردها بوده است، اما تاکنون گفتمان حاکم نتوانسته است برابری مورد نظر آنها را تأمین کند (Islami, shamsabadi, 2018: 68-80). علاوه بر این، بسیاری از رهبران عراق فاقد تجربه دموکراتیک هستند. بنابراین، تعجب‌آور نیست که شکاف عمده‌ای در دموکراسی نوپای عراق بین مدل حاکمیت آن بر روی کاغذ و شیوه‌های واقعی اعمال حاکمیت ایجاد شده است؛ لذا چارچوب قانون اساسی عراق، به‌روشی تبدیل شده است که در آن سیاستمداران بیش از سیاست، عقاید، لیاقت یا صلاحیت خود بر اساس هویت قومی یا فرقه‌ای انتخاب و منصوب می‌شوند. با وجود حاکم بودن چنین فضای سیاسی در عراق، به - غیر از شهروندان چند استان غربی، سایر شهروندان از حضور داعش در کشور خود استقبال - نکردند. حتی در بین شهروندان استان‌هایی همچون الانبار و صلاح‌الدین، داعش نتوانست نمونه‌ای عالی از حکمرانی را به نمایش گذاشته و توده‌ها را با خود همراه سازد. بنابراین، به - همان میزان که نبود دسترسی به مجاری مشارکت سیاسی در پیروزی اولیه داعش در عراق تأثیر داشت، در ناکامی آن نیز ایفای نقش کرد.

نمودار ۸- دسترسی به مجاری - مشارکت سیاسی و چگونگی ناکامی داعش در این زمینه



۴-۵. ثبات سیاسی اتحادهای درون ارکان دولت حاکم

بر مبنای مدل مفهومی تارو و مک آدام، ثبات سیاسی اتحادهای درون ارکان دولت حاکم، مانعی مهم در جهت عدم توفیقات مخالفین حاکمیت خواهد بود. بالعکس اگر گروه‌ها و نخبگان قدرت در درون نظام سیاسی از اتحاد کافی برخوردار نباشند، فضای مناسب را برای معارضان حاکمیت به وجود خواهند آورد. با دستگیری صدام حسین در دسامبر ۲۰۰۳، دولت موقت، تجهیز نیروهای امنیتی را برای دفاع از زیرساخت‌های حیاتی آغاز کرد. در همان زمان، عناصر سیاسی و مذهبی شروع به تبلیغات برای انتخابات کردند. برجسته‌ترین این افراد، آیت‌الله - سیستانی بود. این اقدام، اولین قدم برای اتحادهای درونی در دولت حاکم در عراق بخصوص شیعیان با بیش از ۶۰ درصد جمعیت بود. تشکیل گروه جیش‌المهدی به رهبری مقتدی صدر که خود را لیدر جریان ملی - مذهبی عراق می‌دانست، گام بعدی بود. عملگرایی، اعتقادات سیاسی - مذهبی و سخنرانی‌های آتشین مقتدی صدر علیه دولت‌های اشغالگر و اصرار بر تشکیل حکومت اسلامی در عراق، توانست هزاران نفر از جوانان شیعی عراق را به سوی او جذب نماید (Gordon & Trainor, 2012: 80-99). این گروه، با ظهور القاعده عراق در سال ۲۰۰۴ و دست زدن به عملیات‌های تروریستی علیه مردم عراق، سهم بسیاری در ایجاد ثبات و تقابل با تروریست‌ها داشت. با این وجود، در آن مقطع زمانی حساس، با وساطت آیت‌الله - سیستانی، مقتدی صدر پس از اصطکاک اولیه با دولت مرکزی، سعی در ورود به عرصه سیاست و ایجاد امنیت کرد (Kozlowski, 2011: 12). به‌گونه‌ای که در انتخابات ۲۰۰۶، ۳۰ کرسی در انتخابات ۲۰۱۰، ۳۸ کرسی در انتخابات ۲۰۱۴، ۳۴ کرسی و در انتخابات سال ۲۰۱۸ با ۵۴ کرسی پیروز انتخابات شدند. با این وجود، نمی‌توان مدعی بود که پیش از حمله داعش به عراق، اتحاد درونی ارکان دولت عراق از ثبات کافی برخوردار بود؛ بالعکس صحنه سیاسی عراق عرصه رقابت بین گروه‌های سیاسی برای تضعیف موقعیت نوری المالکی شده بود.

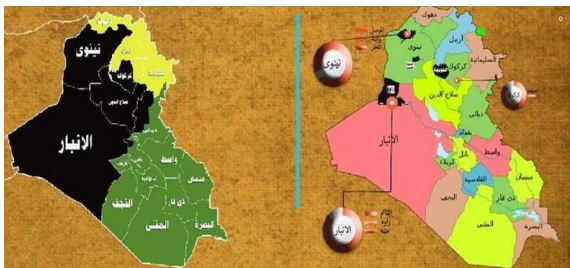
طارق الهاشمی شوراهای نظامی انقلابی در الانبار را شکل داد و این شهر را به آشوب کشاند. شورای ولایتی استان صلاح‌الدین، از عزم خود برای اعلام خودمختاری خبر داد. مسعود بارزانی از تمایلات دیکتاتوری در بغداد سخن گفت. آیت‌الله صدر، نوری المالکی را «دیکتاتور» خواند و ۵۱۱ نامزد به بهانه این که ریشه‌های بعثی دارند، از مشارکت در انتخابات و قدرت بازماندند (Bagheri Dolatabadi, Nowruzi Nejad, 2015: 47-48). این رقابت‌ها و خصومت‌ها، فرصتی بی‌نظیر در اختیار داعش قرار داد تا بتواند شهرهای عراق را یکی پس از دیگری به تصرف خود درآورد. تنها پس از محسوس شدن خطر خارجی برای گروه‌های داخلی بود که اتحاد به اردوگاه آن‌ها بازگشت و فرصت بی‌ثباتی سیاسی شکل گرفته در ساختار سیاسی عراق از دست داعش خارج شد.

ائتلاف کردها با نیروهای مردمی و ارتش دولت عراق، یکی از ائتلاف‌های مهم درون حاکمیتی برای شکست داعش بود. پیش‌مرگه‌ها به‌عنوان بازوی نظامی و نیروی اصلی احزاب - مبارز گرد - اتحادیه میهنی جلال طالبانی و حزب دموکرات کردستان عراق مسعود بارزانی - به یکی از خبره‌ترین و کارآمدترین مبارزان در جنگ با داعش تبدیل شدند. رویکرد طایفه-گرایانه آن‌ها، این نظامیان را جوری سامان داده بود که در هر شرایطی صرفاً از سرزمین کردها دفاع کنند، ولی با جدی شدن حضور داعش در عراق، این احساس کنار گذاشته شد و به ائتلاف درونی ارکان حاکمیت پیوستند.

از جمله نیروهای مبارز دیگری که به ائتلاف درونی حاکمیت عراق در مقابله با داعش پیوستند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سازمان بدر، عصاب اهل‌الحق، کتاب حزب‌الله، قوات‌الشهید الصدر، حرکه‌النجباء، سرایا السلام، سرایا الجهاد، لواء‌علی‌الاکبر، سرایا العتبات، کتاب سیدالشهداء، کتاب‌التیاریت‌الرسالی، سرایا الخراسانی، سرایا عاشوراء، قوات و عدالله، فرقه‌العباس القتالیه. این نیروها با اضافه شدن به بیش از ۳۰ نیروی مبارز دیگر، حشدالشعبی را به وجود آوردند. ترکیب مذهبی، قومی و جمعیتی حشدالشعبی، حکایت از ائتلاف عام و کلی مردم عراق دارد. این گروه عظیم که عمدتاً شیعه هستند، در کنار ۱- برخی عشایر سنی عراق از استان صلاح‌الدین، نینوا و انبار؛ ۲- شهروندان و مبارزان فیلی که از اقلیت دینی یارسان هستند و ۳- مسیحیان عراقی و قومیت‌هایی چون؛ عرب‌ها، کردها و ترکمن‌ها، کلیت سازمان حشدالشعبی را تشکیل می‌دهند. (Mansour & Jabar, 2017: 3) حشدالشعبی در سه مرحله تثبیت و به‌عنوان اصلی‌ترین متحد دولت مرکزی شناخته شد. مرحله اول زمانی بود که با دستور نخست‌وزیر وقت عراق، نوری‌المالکی که فرماندهی نیروهای مسلح را نیز بر عهده داشت، برای رویارویی با تهدید داعش و جلوگیری از حمله به بغداد تشکیل شد. مرحله دوم، زمانی بود که آیت‌الله سیستانی، مرجع شیعه در نجف، پس از حمله داعش به موصل، به وجوب کفایی جهاد فتوا داد (Smyth, 2015: 5). این فتوا، در مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های حشدالشعبی و ترغیب مردم به پیوستن بدان نقش بسزایی داشت. در مرحله سوم، در سال ۲۰۱۵، هیأت - وزیران دولت عراق مصوب نمود که حشدالشعبی، یک سازمان رسمی و مرتبط با نخست‌وزیر است. از آن پس، این نیرو به‌صورت کاملاً رسمی، بخشی از نیروهای مسلح عراق و یکی از زیرمجموعه‌های فرمانده کل نیروهای مسلح شد. بر این مبنای عراق با ائتلافی از نیروهای درون حاکمیت روبرو شد که در سراسر کشور، آمادگی رزمی خود را در تقابل با داعش به‌رخ می‌کشیدند (El-Ghobashy & Salim, 2017: 6). مناطق عملیاتی حشدالشعبی، مناطق وسیعی از بغداد، موصل، بصره، دیالی، انبار، الکرمه از توابع شهر فلوجه در انبار، صلاح‌الدین و بابل را در بر می‌گرفت. آن‌ها تا اواخر سال ۲۰۱۵؛ یعنی ۵۵۰ روز پس از تأسیس، ۱۹ شهر مهم عراق را آزاد نموده و ۵۲ شاهراه مواصلاتی مهم میان شهرها را امنیت بخشیدند. البته در این راه، بیش از ۴ هزار نفر جان خود را از دست دادند و ۸ هزار نفر نیز زخمی شدند. آزادسازی جرف‌الصخر

(که بعدها به جرف النصر شهرت یافت)، شکستن محاصره سامرا، آمرلی، بیجی، جنوب موصل، فلوجه و مناطقی در استان صلاح‌الدین و الانبار، تنها بخشی از موفقیت‌های آن‌ها در ائتلاف با حاکمیت و ارتش عراق است (Salama, 2015: 4).

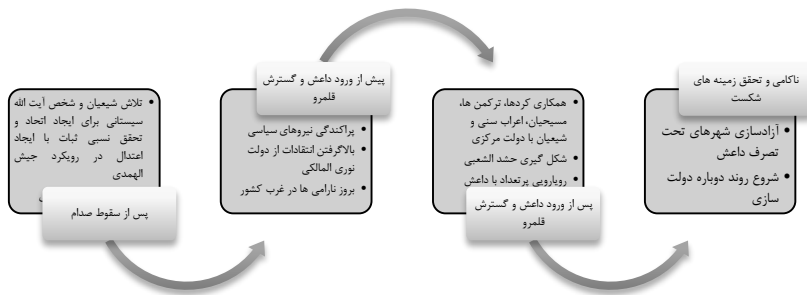
نقشه ۳: مقایسه متصرفات داعش طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۷



source: (alhurra, 2017)

مقایسه مناطق تحت تصرف داعش، در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ به خوبی حکایت از اتحاد نیروهای درون حاکمیت عراق دارد. نقشه سمت چپ، مناطق تحت سیطره داعش در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ و نقشه سمت راست، نتیجه ائتلاف نیروهای داخلی عراق و آزادسازی شهرها را نشان می‌دهد. به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۷، صرفاً سه منطقه پراکنده و کوچک در سیطره عراق باقی مانده بود که عبارتند از: ۱- تلعفر در استان الانبار که تنها ۲۸ کیلومتر مربع مساحت - داشت و در ۴۵۰ کیلومتری بغداد و ۷۰ کیلومتری موصل واقع شده بود؛ ۲- الحویجه در کرکوک که داعش از مردم آنجا به‌عنوان سپر انسانی استفاده می‌کرد و ۳- غرب الانبار؛ یعنی شهر القائم. این مناطق نیز با اتحاد میان نیروهای کرد، شیعه، سنی و مسیحی و ارتش کلاسیک عراق در نهایت آزاد شد.

نمودار ۹- اتحادهای درون ارکان دولت حاکم و چگونگی ناکامی داعش



۴-۶. تمایل طبیعی دولت به سرکوب

بر مبنای نظریه مک آدام و سیدنی تارو، چنانچه دولت در زمینه کنترل و سرکوب مخالفین با برنامه عمل نماید و در طبیعت خود، تمایل و جسارت لازم برای مقابله با آن‌ها را داشته باشد، می‌تواند در حفظ امنیت و بقای حاکمیت موفق‌تر باشد. شواهد، حکایت از آن دارد که سرکوب شدید و برنامه‌ریزی شده داعش، از اولویت‌های اصلی دولت عراق در برخورد با این

گروه از سلفی‌های جهادی بود. آنچه به دولت عراق کمک نمود تا در این مسیر موفق باشد را در سه عامل می‌توان خلاصه کرد: نخست؛ متجاوز و اشغالگر بودن داعش. دوم؛ جنایت‌های داعش که جای هیچ‌گونه حمایتی از این گروه در عرصه جهانی را بر جای نگذاشت و سوم؛ به خدمت گرفتن ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای.

اقدامات داعش به هنگام تصرف شهرها با ارباب و رسانه‌ای نمودن فجایع ذبح انسانی، باعث تعمیق هراس در جهان شد. واضح‌ترین تبلیغات وحشت‌زای داعش، پخش تصاویر و فیلم‌های اعدام، ترور و بی‌رحمی مطلق بود. اکثر ابزارهای کشتار داعش به شکل قدیمی و بریدن سر یا پرتاب از نقاط مرتفع و ... بودند؛ این کار در کنار سوء استفاده‌های جنسی از زنان و دختران (۴۰۰۰ زن ایزدی)، به بردگی گرفتن و فروش آن‌ها پس از کشتن مردانشان (Mah-Rukh Ali, 2015: 11-18)، تخریب منازل، مزارع و زیرساخت‌های اقتصادی و هرگونه عمران و آبادی، مصادره اموال، سنگسار کردن محکومین، اعدام‌های برنامه‌ریزی شده و هفتگی افراد بی‌گناه در میادین اصلی شهرها، همگی وحشتی را در جامعه مستولی کرد که زمینه شدیدترین تقابل‌ها در سطح ملی و بین‌المللی را برای این گروه‌ها فراهم نمود. به همین خاطر، سازمان‌های بین‌المللی؛ اعم از دولتی و غیردولتی هم‌صدا، داعش را مسئول ارتکاب نقض حقوق بشر، نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت خواندند. (Tharoor, 2014: 2)

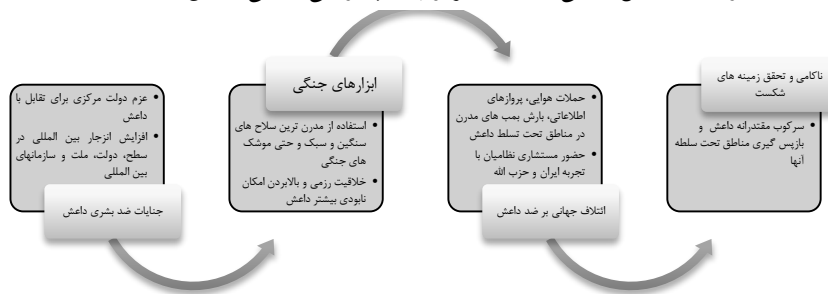
اشغالگر و متجاوز بودن داعش و رویاپردازی‌های آن، برای تصرف دیگر کشورها نیز به - دولت عراق کمک نمود تا آسان‌تر همسایه خود (ایران) را برای کمک‌رسانی مجاب نماید. سپاه قدس ایران و حزب‌الله لبنان، مهم‌ترین نیروی کمکی در این بخش بودند (Mossalanejad, 2020: 20). طبق گزارش بیزنس اینسایدر^۱، پرسنل سپاه قدس ایران در سامرا، بغداد، کربلا و پایگاه نظامی متروکه ایالات متحده که قبلاً به نام کمپ اسپیچر^۲ معروف بود، مستقر شدند و تحت فرماندهی سردار قاسم سلیمانی، عملیات ضد داعش را در شهرهای آمرلی، تکریت، فلوجه موصل و ... رهبری کردند. همچنین جنگنده‌های جت‌فانتوم اف-۴ ایرانی در چندین نوبت، مواضع داعش را در پشتیبانی از نیروهای زمینی در حال جنگ بمباران کردند. (Garland, 2016: 3; Hubbard, 2014: 4) آموزش مبارزان شیعی در عراق به خدمت گیرد. طبق گزارش‌های منتشر شده، در ژوئن ۲۰۱۴، حزب‌الله برای نظارت بر تحولات عراق، یک مرکز فرماندهی اختصاصی در لبنان ایجاد کرد (Terrence, 2013: 3). در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۴، سید حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله، به‌صراحت اعلام کرد: «آماده‌ایم تا در عراق، پنج برابر بیشتر از آنچه در سوریه برای حفاظت از مقدسات جان فدا کرده‌ایم، شهید تقدیم اهل بیت کنیم.» (Mustafa, 2016: 4).

1. Business Insider
2. Camp Speicher

اقدامات ضد بشری داعش و داعیه‌های خلافت جهانی آن، ائتلاف بین‌المللی را نیز در خدمت دولت عراق قرار داد تا میزان سرکوب علیه این گروه تروریستی را شدت بخشد. به گونه‌ای که اتحادیه عرب، اتحادیه اروپا، ناتو و شورای همکاری خلیج فارس، بخشی از ائتلاف جهانی ضد داعش را تشکیل دادند. براساس اعلام پنتاگون، تا دسامبر سال ۲۰۱۷، بیش از ۸۰ هزار شبه‌نظامی داعش در عراق و سوریه توسط حملات هوایی نیروی‌های ائتلاف کشته شدند (Al-Taie, 2015: 3, Eddy, 2014). حدود ۷۵ تا ۸۰ درصد این پروازها توسط ارتش ایالات متحده و ۲۰ تا ۲۵ درصد دیگر توسط استرالیا، کانادا، دانمارک، فرانسه، اردن، بلژیک، هلند، عربستان سعودی، ترکیه، امارات متحده عربی و انگلیس انجام شد. شدت برخورد با شبه‌نظامیان داعش، به حدی بود که گاهی حتی غیرنظامیان نیز قربانی عملیات‌ها و حملات هوایی می‌شدند. به گونه‌ای که طبق اعلام گروه نظارت بریتانیا «ایروایس»، حملات هوایی و توپخانه‌های ائتلاف، به رهبری آمریکا تا پایان سال ۲۰۱۷، باعث کشته شدن ۶۰۰۰ غیرنظامی در عراق و سوریه گردید (Schmidt, 2016: 7).

شدت عمل دولت مرکزی عراق و ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی علیه داعش باعث گردید تا هیچ شانس و فرصت سیاسی برای تداوم حیات داعش باقی نماند (Thompson & Shubert, 2016). داعش، از یکسو با بمباران‌های هوایی باید دست و پنجه نرم می‌کرد که هیچ ابزاری برای مهار آن نداشت و از سوی دیگر، بر روی زمین و در مناطقی باید می‌جنگید که جغرافیای مناسبی را در اختیار او قرار نمی‌داد. ابتکارات نظامی بکار بسته شده از سوی ارتش عراق و گروه‌های شبه‌نظامی همچون حشدالشعبی و متحدان منطقه‌ای آن (Barrett, 2014: 3) نیز عملاً جریان امور را از دست داعش خارج ساخت و به شکست آن منتهی شد.

نمودار ۹- تمایل طبیعی دولت به سرکوب و چگونگی ناکامی داعش



نتیجه گیری

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که فهم فرصت‌های سیاسی و درک چگونگی عدم توفیق در بکارگیری آن‌ها، قادر است به صورت روشمند، ناکامی پویش‌های پیچیده، اعتراضات سیاسی و تحرک نیروهای سلفی - جهادی در جغرافیای سیاسی عراق را که منشأ بحران‌های اجتماعی -

امنیتی بودند، تشریح نماید. از جمله فرصت‌هایی که می‌توانست شرایط لازم برای ثبات و بقای - داعش را فراهم آورد، ائتلاف‌های داخلی و خارجی بود. در ابعاد داخلی، با توجه به رویکرد غیریت‌ساز و ایدئولوژیک و برنامه‌های سیاسی - نظامی منحصر به فرد، داعش خیلی سریع با دیگر گروه‌های سلفی - جهادی به بن‌بست نظامی و فکری-سیاسی رسید. درباره ائتلاف‌های - خارجی نیز به سبب کنش‌های غیرعقلانی در زمینه‌های تئوریک و عملی، اساساً هیچ کشوری نتوانست خود را به صورت رسمی موافق این گروه سلفی - جهادی اعلام نماید. از طرفی، - ائتلاف‌های درون ارکان حاکمیت عراق، وحدت ملی و کاهش اختلافات سیاسی، کناره‌گیری به - موقع مالکی از نخست‌وزیری و مدیریت صحنه سیاسی عراق، یکپارچگی در صفوف جریان‌های سیاسی ریشه‌دار عراق و هوشیاری شهروندان این کشور و سایر کشورهای مسلمان و حتی غیرمسلمان، از ماهیت وجودی داعش، معادلات و مناسبات بین‌المللی و بخصوص، عراق را بر ضد آرمان‌های آن‌ها رقم زد. در این میان، مواردی چون ۱- ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش به رهبری آمریکا با بیش از ۵۰ کشور و حملات هوایی و محدود زمینی به مواضع داعش ۲- اعلام براءت و مخالفت عملی ۳۴ کشور اسلامی علیه داعش در ۱۴ دسامبر ۲۰۱۵. ۳- حضور نظامی محور مقاومت ۴- حضور مستشاران نظامی ایران و حزب‌الله لبنان ۵- حملات هوایی و موشکی مکرر و پشتیبانی توپخانه‌ای ارتش کلاسیک عراق ۶- سیطره اطلاعاتی دولت مرکزی؛ به کلی راه را برای استفاده داعش از فرصت‌های سیاسی پیش رو و تداوم خلافت خودخوانده مسدود نمود.

کتابنامه

- اسلامی، مسعود؛ شمس آبادی، علی، (۱۳۹۷)، عوامل ناکامی همه‌پرسی جدایی اقلیم کردستان عراق، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۴(۵۱): ۶۳-۹۴.
- باقری دولت آبادی، علی؛ نوروزی نژاد، جعفر (۱۳۹۴)، کاستی‌های نرم‌افزاری امنیت در عراق و قدرت‌یابی گروه تروریستی داعش، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۴(۴): ۳۱-۵۶.
- رومینا، ابراهیم؛ علوی شوشتری، سیده زهرا؛ حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۹)، بازتاب‌های سیاسی مهاجرت‌های بین‌المللی از خاورمیانه به اروپا، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۶(۵۹): ۲۹-۵۱.
- فؤاد، ابراهیم، (۲۰۱۵)، داعش من النجدی إلى البغدادی، مرکز أوال للدراسات والتوثيق، بیروت: لبنان.
- مرتضی، محمد محمود، (۲۰۱۸)، الأسس الفلسفية والعرفانية للولاية التكوينية عند الشيعة الإمامية، بیروت: دار الولاية للطباعة والنشر والتوزيع.
- مصلان نژاد، عباس، (۱۳۹۹)، جابه‌جایی ژئوپلیتیکی قدرت و امنیت در آسیای جنوب‌غربی، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۶(۵۹): ۱-۲۸.
- نزال، حمادة، (۲۰۱۹)، خفایا و أسرار داعش؛ من عمامة أسامة بن لادن إلى قبعة صدام حسين، بیسان للنشر والتوزيع، بیروت: لبنان.

References

- Al-Ali, Misbah, (2014), **Hezbollah Sets up Operations Room to Cope with Iraq Fallout**, The Daily Star. Jun.16, 2014. <https://www.dailystar.com.lb/News/Lebanon-News/2014/Jun-16/260268-hezbollah-sets-up-operations-room-to-cope-with-iraq-fallout.ashx>.
- Al-Qarawee, Harith Hasan, (2014), **Iraq Sectarin Crisis: A Legacy of Exclusion**, Carnegie Endowment for International Peace, CarnegieEndowment.org.
- Arab Center for Research and Policy Studies, (2015), **A Majority of Arabs Oppose ISIL, Support Air strikes on the Group**, <https://www.dohainstitute.org>
- Arosoaie, Aida, (2015), **Doctrinal Differences between ISIS and Al Qaeda: An Account of Ideologues**, Counter Terrorist Trends and Analyses, Vol. 7, No.7, pp. 31-37.
- Bagheri Dolatabadi, Ali; Nowruzi Nejad, Jafar (2015), **Software Software Deficiencies in Iraq and the Growth of the Terrorist Group of ISIL**, Political Studies of the Islamic World, Volume 4, Number 16, pp. 31-55.(In Persian)
- Barrett, Richard, (2014), **The Islamic State**, Soufan Group. <http://www.ciaonet.org/institutions/905>.
- Beauchamp, Zack; Fisher, Max; Matthews, Dylan, (2014), **27 Maps that Explain the Crisis in Iraq**, August 8, 2014, <https://www.vox.com/a/maps-explain-crisis-iraq>.
- Burke, Jason, (2017), **Rise and Fall of Isis: Its Dream of a Aaliphate is Over, So What Now?**, The Guardian, Oct.21, 2107. <https://www.theguardian.com/world/2017/oct/21/isis-caliphate-islamic-state-raqqa-iraq-islamist>.
- Cragun, Ryan, Cragun, Deborah (2008), **Introduction to Sociology**, USA: Seven Treasures Publications.
- Dehghanpisheh, Babak, (2014), **Iran's elite Guards Fighting in Iraq to Push Back Islamic State**. Reuters. Aug 3. 2014. <https://www.reuters.com/article/us-iraq-security-iran-insight/irans-elite-guards-fighting-in-iraq-to-push-back-islamic-state-idUSKBN0G30GE20140803>.
- Eddy, Melissa, (2014), **Germany Bans Support for ISIS**, The New York Times. Sep.12, 2014. <https://www.nytimes.com/2014/09/13/world/europe/germany-bans-support-of-isis.html>.
- El-Ghobashy, Tamer; Salim, Mustafa, (2017), **Top Iraqi Shiite Cleric Calls for Scaling Back Militia Influence, Backing Prime Minister**, Washington Post. Dec. 15, 2017. https://www.washingtonpost.com/world/top-shiite-cleric-calls-for-scaling-back-militia-influence-backing-prime-minister/2017/12/15/8834eb0e-e192-11e7-9eb6-e3c7ecfb4638_story.html

- Erdbrink, Thomas, (2017), **Iran Assails Saudi Arabia After Pair of Deadly Terrorist Attacks**, *Anchorage Daily News*. Jun 7, 2017. <https://www.adn.com/nation-world/2017/06/07/gunmen-storm-iranian-parliament-and-shrine-in-assaults-claimed-by-islamic-state/>
- Foad, Ibrahim, (2015), **ISIS from Najdi to Al-Baghdadi**, *Awal Center for Studies and Documentation*, Beirut: Lebanon. (In Arabic)
- Garland, Chad, (2016), **Islamic State' says top commander Shishani killed in Iraq**. *Deutsche Welle*. <https://www.dw.com/en/islamic-state-says-top-commander-shishani-killed-in-iraq/a-19398846>.
- Ghosh, Bobby, (2015), **ISIL and Al Qaeda: Terror's frenemies**, *Quartz*. <https://qz.com/324909/isil-and-al-qaeda-terrors-frenemies/>
- Hasan, Harith, (2018), **The Truth about Iraq's Democracy**, *The Atlantic Council*, May 29, 2018, <https://www.atlanticcouncil.org>
- Hassan, Hassan, (2015), **Isis has Reached New Depths of Depravity. But there is a Brutal Logic behind it**, *The Guardian*. <https://www.theguardian.com/world/2015/feb/08/isis-islamic-state-ideology-sharia-syria-iraq-jordan-pilot>.
- Hubbard, Ben, (2014), **Life in a Jihadist Capital: Order with a Darker Side**, *The New York Times*. July 23, 2014. <https://www.nytimes.com/2014/07/24/world/middleeast/islamic-state-controls-raqqa-syria.html>.
- Hubbard, Ben, (2015), **Al Qaeda Tries a New Tactic to Keep Power: Sharing It**, *The New York Times*. June 9, 2015. <https://www.nytimes.com/2015/06/10/world/middleeast/qaeda-yemen-syria-houthis.html>.
- Hussain, Morteza, (2018), **The Islamic State is the God that Failed in Middle East**, *The Intercept*, <https://theintercept.com>.
- Islami, masoud; shamsabadi, ali, (2018), **the Causes behind appointment of Kurdistan Regions Separation Referendum**, *Geopolitics Quarterly*, Volume 14, Issue 51, Autumn 2018, PP 63-94. (In Persian)
- Khatib, Lina, (2015), **The Islamic State's Strategy Lasting and Expanding**, <http://carnegieendowment.org>.
- Kozlowski, Francis X, (2013), **The Battle of An-Najaf, Introduction** U.S. Marine Corps History Division, Publisher: CreateSpace Independent Publishing Platform.
- Kubba, Laith (2014), **Who is the U.S. targeting in Iraq air strikes?** *Al Jazeera*. <https://www.aljazeera.com/>
- Levitt, Matthew (2014), **Iran Has a Secret Weapon to Fight Sunnis in Iraq**, <https://www.businessinsider.com>.
- Lynch, Thomas F, (2015), **The Impact of ISIS on Global Salafism and South Asian Jihad**, <https://www.hudson.org> .
- Mansour, Renad; Jabar, Faleh A. (2017), **The Popular Mobilization Forces and Iraq's Future**, *Carnegie Middle East Center*. Carnegie Endowment for International Peace.

- McAdam D, Tarrow S, Tilly C. (2001), **Dynamics of Contention**. Cambridge University Press
- McCarthy, Niall, (2019), **The Rise and Fall of ISIS**, Dec 10, 2019, <https://www.statista.com>
- McCoy, Terrence (2013), **ISIL, Beheadings and the Success of Horrifying Violence**, The Washington Post. June 13, 2014, <https://www.washingtonpost.com/news/morning-mix/wp/2014/06/13/isis-beheadings-and-the-success-of-horrifying-violence/>
- Meek, James Gordon (2015), **Al Qaeda Leader Al-Zawahiri Declares War on ISIS 'Caliph' Al-Baghdadi**, ABC News. <https://abcnews.go.com/International/al-qaeda-leader-al-zawahiri-declares-war-isis/story?id=33656684>.
- Meyer, David S. (2004), **Protest and Political Opportunities**, Annual Review of Sociology, Vol. 30: 125-145.
- Michael R. Gordon; Bernard E. Trainor (2012), **The Endgame: The Inside Story of the Struggle for Iraq**, from George W. Bush to Barack Obama. Pantheon Books.
- Morteza, Muhammad Mahmoud, (2015), **The Industry of Savage**, Dar Al-Walaa for Industry and Publishing, Beirut: Lebanon. (In Arabic)
- Mossalanejad, Abbas, (2020), **Geopolitical Shift in Power and Security in Southwest Asia**, Geopolitics Quarterly, Volume 16, Issue 59, Summer 2020, pp. 1-28. (In Persian)
- Mustafa, Haytham, (2016), **Islamic State Replaces Syrian Officials by Foreign Jihadists in Raqqa**, ARA News.
- Naji, Abu Bakr (2006), **The Management of Savagery: The Most Critical Stage Through Which the Umma Will Pass**.
- Nazal, Hamada, (2019), **Hidden and Secrets of ISIS**, Baysan for Publishing and Distribution, Beirut: Lebanon. (In Arabic)
- Payne, Ed, & Abdelaziz, Salma, (2015), **34 Islamic Nations Form Coalition to Fight Terrorism**. CNN. Dec 15, 2015. <https://edition.cnn.com/2015/12/14/middleeast/islamic-coalition-isis-saudi-arabia/index.html>.
- Peritz, Aki (2019), **Opinion: Here's Why ISIS and Al-Qaida Will Lose Their War of Attrition**, NPR agency, <https://www.npr.org/>.
- Pew Research Center (2015). **Views on ISIS in 10 Countries and Palestinian Territories (Spring 2015)**, In nations with significant Muslim Populations, Much Disdain for ISIS, Jacob Poushter, <https://www.pewresearch.org>.
- Pew Research Center Religion & Public Life, (2013), **Figure 3: Support for Suicide Bombings against Civilians among Muslims**, <https://www.pewforum.org>.
- Roumina, Ebrahim; alavi shushtari, seyedeh Zahra; Hafeznia, Mohamad-Reza(2020), **Political Reflections on International Migration from the Middle East to Europe**, Geopolitics Quarterly, Volume 16, Issue 59, Summer 2020, pp. 29-51. (In Persian)

- Salama, Vivian, (2015), **Iraq Militias Say They Don't need US Help in Anbar operation.** **Business Insider.**
<https://apnews.com/d06c7b18dd7546c5bf547e502192d94c>.
- Schmidt, Michael S. and Eric Schmitt, (2016), **U.S. Broadens Fight Against ISIS with Attacks in Afghanistan.** The New York Times. 31 January 2016.
<https://www.nytimes.com/2016/02/01/us/politics/us-broadens-fight-against-isis-with-attacks-in-afghanistan.html>.
- Sly, Liz, (2014), **Al-Qaeda Disavows any Ties with Radical Islamist ISIS Group in Syria, Iraq.** The Washington Post. Feb 3, 2014.
https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/al-qaeda-disavows-any-ties-with-radical-islamist-isis-group-in-syria-iraq/2014/02/03/2c9afc3a-8cef-11e3-98ab-fe5228217bd1_story.html.
- Smyth, Phillip, (2015), **The Shiite Jihad in Syria and Its Regional Effects, The Washington Institute for Near East Policy,** Policy Focus 138.
<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-shiite-jihad-in-syria-and-its-regional-effects>.
- Spencer, Richard, (2013), **Syria: Jabhat Al-Nusra Split after Leader's Pledge of Support for Al-Qaeda.** The Telegraph.
<https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/syria/10067318/Syria-Jabhat-al-Nusra-split-after-leaders-pledge-of-support-for-al-Qaeda.html>
- Statista Research Department, (2019), **Perceptions on Repatriating ISIS Recruits in the United Kingdom in 2019,** by Age Group, Statista Research Department, <https://www.statista.com>
- Tarrow, Sidney (1998), **Power in Movement,** 2nd ed, New York: Cambridge University Press.
- Teti, Isabella Frances (2016), **The 'ISIS Phenomenon, PennState Presidential Leadership Academy.** Pennsylvania: Pennsylvania State University.
- Tharoor, Ishaan (2014), **ISIS or ISIL? The Debate Over What to Call Iraq's Terror Group.** The Washington Post. Jun 18, 2014.
<https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2014/06/18/isis-or-isil-the-debate-over-what-to-call-iraqs-terror-group/>.
- Thompson, Nick; Shubert, Attika (2016), **The Anatomy of ISIS: How the 'Islamic State' is Run, From Oil to Beheadings,** CNN.
<https://edition.cnn.com/2014/09/18/world/meast/isis-syria-iraq-hierarchy/index.html>.
- Visser, Reidar, (2010), **A Responsible End? The US and the Iraqi Transition, 2005–2010,** USA: Just World Publishing.
- Visser, Reidar, (2011), **Policing a Messy Federation: The Role of the Iraqi Federal Supreme Court, 2005–2010,** <https://www.researchgate.net>.
- Wordpress (2015), **Map 1 Demographic Map of Iraq,** <https://iakal.wordpress.com>.
- Wright, Lawrence, (2014), **ISIS's Savage Strategy in Iraq,** The New Yorker. Jun 16, 2004. <https://www.newyorker.com/news/daily-comment/isis-savage-strategy-in-iraq>.